

Related Party Transactions and the Relation between Political Connections and Audit Report Lag

Mehdi Salehi¹, Mahmoud Toorchi², Reza Abdollah Nezhad³

Received : 2018/03/14

Approved: 2018/06/27

Abstract

The purpose of this study is to explain the moderating role of related party transactions in the relation between political connections and audit report lag. One of the criteria for financial reporting quality is being up-to-date. On the other hand, in politically minded firms, managers find incentives for potential benefits, which can lead to a loss of their rights. The sample of this research consists of 156 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period of 2012 to 2016. The research findings based on the panel data and multi-variate linear regression analysis show that political connections lead to an increase in the audit report lag. Related party transactions increase the audit report lag as well as strengthen the relation between political connections and the audit report lag. This confirms that firms with a political relationship with dealers use related party transactions to hide some transactions they do.

Keywords: Related Party Transactions, Political Connections, Audit Report Lag, Agency Theory.

JEL Classification: M41, P26

DOI:10.22051/jera.2018.19739.1989

¹ Associate Professor Accounting and Management Department, Ferdowsi University of Mashhad, Iran,(Mehdi.salehi@um.ac.ir)

² Phd of Accounting, Gaenat Branch, and faculty member of Mashhad branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran
(toorchimahmood@yahoo.com)

³ Department of Accounting, Qaenat Branch, Islamic Azad University, Qaenat, Iran,
Corresponding Author ,(Abdollahnejad.master@yahoo.com)

تأثیر معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی

مهدي صالحی*، محمود تورچی**، رضا عبدالله نژاد***

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۰۶

چکیده

هدف از این پژوهش، تبیین نقش تعدیلی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی است. یکی از معیارهای کیفیت گزارشگری مالی، به هنگام بودن می‌باشد. از طرفی، در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، مدیران انگیزه‌ای برای کسب مزایای بالقوه پیدا می‌کنند که این موضوع می‌تواند منجر به تضییع حقوق آن‌ها شود. جهت انجام این پژوهش، نمونه آماری شامل ۱۵۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ انتخاب گردید. بر اساس روش داده‌های ترکیبی و تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره، یافته‌های پژوهش نشان داد که ارتباطات سیاسی منجر به افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود. معاملات با اشخاص وابسته نیز تأخیر در گزارش حسابرسی را افزایش داده و همچنین منجر به تقویت ارتباط میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی شده است؛ که موید این موضوع است که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی از معاملات با اشخاص وابسته در جهت پنهان سازی برخی معاملات استفاده می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته، تأخیر در گزارش حسابرسی، تئوری نمایندگی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, P26

10.22051/jera.2018.19739.1989:DOI

* دانشیار گروه حسابداری دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران، (Mehdi.salehi@um.ac.ir).

** دانشجوی دکتری حسابداری، واحد قائنات، و عضو هیات علمی واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران، (toorchimahmood@yahoo.com).

*** دانشجوی دکتری، گروه حسابداری، واحد قائنات، دانشگاه آزاد اسلامی، قاینات، ایران، (نویسنده مسئول)، (Abdollahnejad.master@yahoo.com).

مقدمه

گزارشگری مالی به موقع برای بازارهایی که به درستی عمل می‌کنند یک ضرورت می‌باشد. این در حالی است که تأخیر در گزارشگری مالی می‌تواند عدم اطمینان در تصمیم‌گیری را افزایش داده و بر بازار تأثیر سوء گذارد (اشتون و همکاران، ۱۹۸۷). تأخیر در ارائه گزارش حسابرسی مشمول مرور زمان بین پایان سال مالی و تاریخ ارائه گزارش حسابرسی می‌باشد، که یکی از مهم‌ترین معیارهای به هنگام بودن است (حبیب و محمودی، ۲۰۱۶). حبیب و محمودی (۲۰۱۶) بیان نمودند که یکی از نشانه‌های وجود ارتباطات سیاسی وجود سهام‌داران عمده دارای حق رأی دولتی و شبه دولتی است. هاوستون و همکاران (۲۰۱۴) بیان نمودند که همانطور که فعالیت‌های آتی شرکت‌ها شامل تلاش‌های سازمانی، کمک در عرصه رقابتی انتخاباتی و انتصاب متخصصان در هیئت مدیران به منظور حفظ روابط خوب با مقامات دولتی است، بدیهی است که ارتباطات سیاسی برای آن‌ها ارزشمند می‌باشد. در این ارتباط حبیب و همکاران (۲۰۱۷) اذعان داشتند که در خصوص نحوه برخورد ارتباطات سیاسی نشأت گرفته از مالکیت دولتی با انواع دیگر مالکان شرکت، و تأثیر آن بر گزارشگری مالی دو رویکرد وجود دارد. شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی می‌توانند از حق اعمال قدرت خود سوء استفاده نمایند، یا آن را در جهت حمایت از منافع سایر سهام‌داران بکار ببرند. در صورتی که دولت و مالکان دولتی حقوق تمامی سهام‌داران را به رسمیت بشناسند و ضمن رفتار عادلانه به آن‌ها اجازه دسترسی برابر به اطلاعات شرکت را بدهند، این رویکرد در جهت منافع دولت خواهد بود، زیرا حسن شهرت ناشی از این رفتار، ظرفیت‌های جذب منابع بیرونی و ارزش شرکت را تحت تأثیر قرار خواهد داد. لذا دولت نباید تصویر مالکی خودسر، غیرقابل پیش‌بینی و غیر منصف را در ذهن سایر سهام‌داران ایجاد کند. اما از سوی دیگر دولت به عنوان سهام‌دار عمده در اغلب موارد می‌تواند در مجامع عمومی تصمیماتی بدون توافق سایر سهام‌داران اتخاذ و ترکیب اعضای هیئت مدیره را تعیین کند (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷). اگرچه این موارد حق قانونی مالکیت است، اما ممکن است از آن سوء استفاده شود. تغییر ساختار سرمایه به نفع سهام‌داران کنترل‌کننده، معاملات با اشخاص وابسته، تصمیمات تجاری جانبدارانه همگی نمونه‌هایی از سوء استفاده از این حق هستند. اما در مقابل افشای مطلوب‌تر، وفاداری و صداقت اعضای هیئت مدیره در انجام وظایف و اتخاذ برخی تصمیمات بویژه تصمیمات اساسی از راه اجماع و

مشارکت دادن اقلیت نمونه‌هایی از اقداماتی است که دولت می‌تواند به منظور کسب شهرت و رفتار عادلانه با سهام‌داران انجام دهد (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷). تحقیقات پیشین هم‌چنین نشان دادند که تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه معنی‌داری با ویژگی‌های حسابرسی دارد (حبیب و محمودی، ۲۰۱۶). شرکت‌های حسابرسی شده توسط شرکت‌های حسابرسی با استفاده از رویکرد حسابرسی ساختاریافته، تأخیر طولانی‌تری در ارائه گزارش حسابرسی دارند (بامیر و همکاران، ۱۹۹۳؛ جاگی و تسوی، ۱۹۹۹)؛ در حالی که شرکت‌های حسابرسی شده توسط حسابرسان متخصص صنعت و حسابرسان مجرب، تأخیر کوتاه‌تری در گزارش حسابرسی دارند (حبیب و بایان، ۲۰۱۱). حبیب و همکاران (۲۰۱۷) نیز بیان نمودند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی ممکن است علاقه داشته باشند تا ارتباطات سیاسی خود را پنهان نمایند و بدین منظور اقدام به فعالیت‌های انحرافی در جهت پنهان‌سازی این روابط از نظر حسابرسان خواهند نمود. هم‌چنین در صورتی که بخشی از سهام شرکت در اختیار دولت باشد، میان شرکت و حسابرسان رابطه خاصی پدیدار می‌شود؛ بدین صورت که به دلیل وجود معاملات وابسته و امکان پنهان‌سازی برخی از روابط سیاسی از طریق این معاملات، فعالیت‌های انحرافی بیشتری از طریق عدم افشای مناسب این روابط توسط شرکت صورت خواهد گرفت، که خود عامل تشدیدکننده تأخیر در گزارش حسابرسی محسوب می‌شود (حبیب و محمودی، ۲۰۱۶). لذا اولاً با توجه به اینکه زمان ارائه اطلاعات، سودمندی اطلاعات ارائه شده را تعیین می‌کند و افشای به‌موقع اطلاعات مربوط، مانع از بی‌خبری از وقایع مهمی می‌شود که ممکن است چشم‌انداز آتی واحد تجاری را کاملاً تغییر دهد، ارائه به‌موقع گزارش حسابرسی از منظر ارائه اطلاعات به‌موقع برای سرمایه‌گذاران حائز اهمیت است؛ ثانیاً معاملات با اشخاص وابسته خود دارای محتوای اطلاعاتی است و در شرکت‌های با مالکیت دولتی ممکن است به عنوان ابزاری در جهت پنهان‌سازی روابط سیاسی قرار گیرد؛ و در نهایت در پژوهش‌های داخلی به ارتباط تأخیر گزارش حسابرسان بر تجدید ارائه صورت‌های مالی آتی پرداخته شده است و موضوع پژوهش حاضر اولین بار مورد بحث قرار می‌گیرد؛ این پژوهش در صدد بررسی نقش تعدیل‌کننده معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

ادبیات تحقیق و مروری بر پیشینه تحقیق

در پی شکل‌گیری شرکت‌های سهامی و جدایی مالکیت از مدیریت و انتخاب مدیران به نمایندگی از مالکان، اقتصاددانان متوجه شدند که تمامی گروه‌های مربوط به یک شرکت سهامی برای یک هدف مشترک فعالیت نمی‌کنند. بلکه میان گروه‌های مختلف حاضر در شرکت، تضاد منافع وجود دارد. این تضاد منافع، تحت عنوان مساله نمایندگی در دهه ۱۹۷۰ میلادی توسط جنسن و مک‌لینگ مطرح شد. به عقیده آن‌ها، رابطه نمایندگی قراردادی است که براساس آن صاحب کار یا مالک، نماینده یا عامل را از جانب خود منصوب و اختیار تصمیم‌گیری را به او تفویض می‌کند (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷). اطلاعات حسابداری در قالب گزارش‌های مالی در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد. این اطلاعات علاوه بر توجه به ارزش‌های کمی باید از بالاترین کیفیت نیز برای گزارش‌برخوردار باشند. یک معیار خوب شفافیت گزارشگری مالی و کیفیت، به هنگام بودن می‌باشد. اگر یک شرکت صورت‌های مالی درست و دقیقی داشته باشد؛ اما اطلاعات آن قدیمی باشد کارایی خود را از دست می‌دهد؛ چرا که اطلاعات قدیمی زیاد مورد توجه کاربران نیستند (حبیب و بیهان، ۲۰۱۱). به موقع بودن به تهیه صورت‌های مالی در بازه زمانی مشخص از سوی نهادهای قانونگذار اشاره دارد. هدف از به موقع بودن اطلاعات این است که تصمیم‌گیرندگان را قادر سازد که به‌درستی اطلاعات را تجزیه و تحلیل کرده و آینده سرمایه‌گذاری خود را پیش‌بینی نمایند.

گال (۲۰۰۶)، شواهدی را در مورد واکنش حسابرسان به ارتباطات سیاسی ارائه کرده و نشان داد که حق الزحمه حسابرسی برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی در مالزی طی بحران مالی آسیا، افزایش نشان داده است. از نظر حسابرسان ریسک حسابرسی برای شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی طی بحران بیشتر است، زیرا این شرکت‌ها در صورت‌های مالی خود دستکاری می‌کنند تا عملکرد ضعیف شرکت را که در صورت آشکار شدن منجر به از دست دادن حمایت دولت می‌شود، پنهان کنند. گادهامی و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی حسابرسان خود را بیشتر از ۴ شرکت بزرگ حسابرسی انتخاب می‌کنند. علاوه بر آن، خان و همکاران (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیده‌اند که انتخاب حسابرسان چهار بزرگ در مقایسه با حسابرسان سایر شرکت‌ها برای حسابرسی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی با کمتر بودن هزینه‌های نمایندگی رابطه دارد. مطالعات پیشین نشان

دادند که تأخیر در گزارش حسابرسی تحت تأثیر، اندازه شرکت، پیچیدگی حسابرسی، شرایط مالی صاحبکار، نوع اطلاعات مربوط به سود و کیفیت کنترل‌های داخلی قرار خواهد گرفت (اشتون و همکاران، ۱۹۸۷؛ بامبر و همکاران، ۱۹۹۳؛ کارسلو و کاپلان، ۱۹۹۱؛ نگ و تائی، ۱۹۹۴؛ خلیف و ساماها، ۲۰۱۴)؛ اما می‌توان گفت که یافته‌های این تحقیقات ویژگی‌های مشهود شرکت‌ها را مدنظر قرار داده‌اند و برای انجام آن مجبور شده‌اند که تأثیر گسترده پیوندهای سیاسی سطح شرکت را نادیده بگیرند؛ علی‌رغم اینکه ارتباطات سیاسی بسیاری از انگیزه‌ها و تصمیمات عملیاتی شرکت را شکل داده و موانعی را برای حسابرسی و گزارشگری مالی فراهم می‌کند که منجر به تأخیر در گزارش حسابرسی خواهد شد (حبیب و محمودی، ۲۰۱۶). اینگونه شرکت‌ها در صورتیکه تمایل به پنهان‌سازی فعالیت‌ها و ارتباطات سیاسی خود داشته باشند تمایل به بکارگیری حسابرسان کوچک‌تر دارند (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷). هر چند ارتباطات سیاسی از جنبه‌هایی برای شرکت ارزش آفرین هستند؛ به عنوان مثال، دسترسی راحت‌تر به تامین‌کنندگان مالی، قراردادهای سودآور دولتی، هزینه بدهی و سرمایه پایین‌تر و مالیات کمتر. اما از جهاتی نیز ممکن است منافع سهام‌داران جزء را به خطر بیندازد؛ مانند، مدیریت سود و پنهان‌سازی فعالیت‌های واقعی (حبیب و محمودی، ۲۰۱۶). لذا به طور کلی در ارتباط با تأثیرگذاری ارتباطات سیاسی بر تأخیر در گزارش حسابرسی اینگونه می‌توان استنباط نمود که حسابرسان به منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، به دنبال افزایش کیفیت حسابرسی هستند؛ لذا در جهت کاهش ریسک حسابرسی و ریسک از بین رفتن شهرت به رسیدگی‌های بیشتر می‌پردازند که منجر به افزایش تأخیر در گزارش‌شان می‌شود (حبیب و محمودی، ۲۰۱۶). همچنین، در ارتباط با تأثیرگذاری معاملات با اشخاص وابسته بر تأخیر در گزارش حسابرسی می‌توان بیان نمود که بسیاری از معاملات با اشخاص وابسته در روال عادی عملیات واحد تجاری انجام می‌شود؛ در چنین شرایطی ممکن است خطر تحریف بااهمیت ناشی از این معاملات در صورت‌های مالی، بیشتر از معاملات مشابه با اشخاص غیر وابسته نباشد. با این وجود، ممکن است در برخی شرایط ماهیت روابط و معاملات با اشخاص وابسته به گونه‌ای باشد که خطرهای تحریف بااهمیت آن در صورت‌های مالی بیشتر از خطرهای تحریف بااهمیت معاملات با اشخاص غیر وابسته باشد؛ به عنوان مثال، عملیات اشخاص وابسته ممکن است در دامنه‌ای گسترده و پیچیده از ساختارها و روابط صورت گیرد، به طوری که موجب افزایش پیچیدگی در معاملات با اشخاص وابسته

شود؛ لذا زمان گزارشگری حسابرسان ممکن است تحت تأثیر آن قرار گیرد (حبیب و همکاران، ۲۰۱۶)؛ و در نهایت، نقش تعدیلی معاملات با اشخاص وابسته بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی به صراحت مکانیسم‌هایی را که از طریق آن شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی می‌توانند فعالیت‌های پوششی و انحرافی را انجام دهند، مطرح می‌کند. به‌طوریکه بیان می‌شود معاملات با اشخاص وابسته یکی از این مکانیسم‌ها است.

شرکت‌هایی که به لحاظ سیاسی وابسته‌اند ممکن است از طریق معاملات با اشخاص وابسته انحراف منابع را انجام دهند و از آن برای پوشش معاملات خود استفاده کنند، برای مثال مدیریت سود در شرکت‌های وابسته به شرکت، می‌تواند منافع سهام‌داران اقلیت را از بین ببرد که این موضوع منجر به افزایش تأخیر در گزارش حسابرسان در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی خواهد شد (حبیب و همکاران، ۲۰۱۷). در ادامه به پیشینه تجربی پژوهش پرداخته می‌شود.

بن رجب آتیا و همکاران (۲۰۱۸)، به بررسی تأثیر تأخیر در گزارشگری مالی بر ارتباط ارزشی سود بانک‌های کشورهای منا (خاورمیانه و شمال آفریقا) پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که تأخیر در گزارشگری مالی (با استفاده از معیار تأخیر در گزارش حسابرسی) منجر به کاهش ارتباط ارزشی سود می‌شود. حبیب و همکاران (۲۰۱۷) نیز به بررسی رابطه هزینه‌های سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته بر کیفیت حسابرسی پرداختند. در این تحقیق کاربردی که با رویکرد توصیفی-همبستگی انجام گردید، ۴۰۵ شرکت در طول دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار اندونزی مورد بررسی گرفت. جهت بررسی معیار کیفیت حسابرسی در این پژوهش انتخاب حسابرسان بزرگ معیار برآزش فر ضیه‌ها قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از آن است وجود ارتباطات سیاسی باعث افزایش در میزان معاملات با اشخاص وابسته می‌شود، که در نتیجه آن عملکرد صحیح شرکت می‌تواند دچار اخلال گردد. علاوه بر آن نتایج نشان داد شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی کمتر تمایل به داشتن حسابرسان بزرگ می‌باشند. قفران و یاسمین (۲۰۱۷)، به بررسی تأثیر تخصص رئیس کمیته حسابرسی بر به موقع بودن گزارشگری مالی (با استفاده از معیار تأخیر در گزارش حسابرسی) پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که هر چه تخصص رئیس کمیته حسابرسی بالاتر باشد، افشای اطلاعات مالی به موقع‌تر صورت می‌گیرد. وانگ و همکاران (۲۰۱۷) به

بررسی رابطه بین توانایی مدیریت، ارتباطات سیاسی و احتمال تقلب در صورت‌های مالی در کشور چین را بررسی کردند. نتایج بدست آمده نشان داد افزایش توانایی مدیران منجر به تقلب در گزارش‌های مالی کم می‌شود. ارتباطات سیاسی شرکت‌ها نیز می‌تواند تأثیر توانایی مدیران در احتمال تقلب در صورت‌های مالی را محدود نماید. علاوه بر این نتایج نشان داد شرکت‌های دارای توانایی بالای مدیران نسبت به دیگر مدیران نظارت زیادی از سوی نمایندگان دارند؛ کیم و ژانگ (۲۰۱۶) به تحقیقی با عنوان ارتباطات سیاسی و سیاست‌های مالیاتی جسورانه پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر معنی داری بر سیاست‌های جسورانه مالیاتی دارد و شرکت‌ها با ارتباط سیاسی بالاتر از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند و میزان اجتناب مالیاتی بالاتری دارند؛ باسلی (۲۰۱۶)، در تحقیقی با عنوان ویژگی‌های هیئت مدیره، ساختار مالکیت و تأخیر گزارش حسابرسی در خاورمیانه با استفاده از داده‌های ۲۰۱ شرکت از شرکت‌های موجود در ۱۱ کشور عربی در طی دوره زمانی ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ به بررسی اثر ویژگی‌های هیئت مدیره و ساختار مالکیت بر تأخیر گزارش حسابرسی پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر اینست که در صد بالایی از شرکت‌ها مدت تأخیر گزارش حسابرسی آن‌ها کمتر از ۶۰ روز است و توسط حسابرسان عضو چهار شرکت حسابرسی بزرگ، حسابرسی شده‌اند. همچنین، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دوگانگی مدیرعامل، اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، مالکیت خارجی، نوع حسابرس، بازده دارایی‌ها و سن شرکت اثر معناداری بر تأخیر گزارش حسابرسی دارند؛ آپادور و مهدنور (۲۰۱۳)، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین تأخیر گزارش حسابرسی و حاکمیت شرکتی در مالزی به بررسی عوامل مؤثر بر تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی و حاکمیت شرکتی پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر اینست که اندازه کمیته حسابرسی، تمرکز مالکیت، اندازه شرکت و میزان سودآوری با تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی رابطه دارد. همچنین، نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که با افزایش تعداد اعضای کمیته حسابرسی تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی افزایش خواهد یافت و با افزایش تعداد سهام‌داران بالای ۵ درصد مالکیت (تمرکز مالکیت) تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی به دلیل افزایش تقاضا برای انجام حسابرسی با کیفیت بالاتر، افزایش خواهد یافت.

محسنی (۱۳۹۷) به بررسی ارتباط ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان داد که بین ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان شرکت‌ها، رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. بنابراین با افزایش ارتباطات سیاسی شرکت‌ها، هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام کاهش می‌یابد. این نتایج بیان می‌کند که ارتباطات سیاسی می‌تواند به عنوان عاملی مهم در ارتباط با هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در نظر گرفته شود. صفری گرایلی (۱۳۹۶) به بررسی موضوع تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی آتی: نقش تعدیلی وابستگی اقتصادی و تخصص صنعت حسابرسی پرداخت. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی، احتمال تجدید ارائه صورت‌های مالی آتی را افزایش می‌دهد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که وابستگی اقتصادی حسابرسی به صاحبکار، اثر تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی بر تجدید ارائه صورت‌های مالی را تشدید می‌کند. مهربانپور و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر بکارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که روابط سیاسی، بطور معناداری موجب کاهش اعطای اعتبار و فروش غیرعادی به اشخاص وابسته می‌شود. همچنین، بر اساس شواهد تجربی به دست آمده، روابط سیاسی، مدیریت سود از طریق اعطای اعتبار غیرعادی به اشخاص وابسته را به طور معناداری کاهش می‌دهد. با این وجود، روابط سیاسی تأثیر معناداری بر مدیریت سود از طریق فروش غیرعادی به اشخاص وابسته ندارد. نمازی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر مالکیت شرکت‌های خانوادگی بر کنترل داخلی، ریسک حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی بر تأخیر در گزارش حسابرسی پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر اینست که سیستم‌های کنترل داخلی شرکت‌های خانوادگی نقاط ضعف با اهمیت بیشتری دارند.

همچنین، نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی دارای ریسک حسابرسی پایین هستند و حق الزحمه حسابرسی این شرکت‌ها پایین است. افزون بر این، حساب‌رسان در شرکت‌های با مالکیت خانوادگی نیز برای ارائه سطحی مطلوب از اطمینان کار کمتری انجام می‌دهند و از این رو گزارش حسابرسی با تأخیر کمتر ارائه می‌شود؛ ملاایمنی و مرفوع (۱۳۹۴) به بررسی ارتباط بین کیفیت افشای اطلاعات و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی پرداختند. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر این است که بین متغیرهای مستقل خطای پیش‌بینی سود و

میزان تعدیلات سنواتی با متغیر تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین متغیرهای مستقل رتبه کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌ها و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج نشان می‌دهد که تنها متغیرهای کنترلی اندازه شرکت در زمان صدور گزارش حسابرسی دارای رابطه منفی و معناداری می‌باشد و متغیرهای اندازه مؤسسه حسابرسی، داشتن خبر خوب یا بد و میزان بدهی شرکت رابطه معناداری ندارند؛ خیرالهی و همکاران (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین کیفیت سود و تأخیر در گزارش حسابرسی با استفاده از داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی رابطه بین کیفیت سود و تأخیر در گزارش حسابرسی پرداختند. در این تحقیق کیفیت سود با دو مؤلفه کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود و تأخیر در گزارش حسابرسی نیز به صورت تأخیر عادی و تأخیر غیر عادی در گزارش حسابرسی اندازه‌گیری شده است. نتایج تحقیق آن‌ها بیانگر اینست بین کیفیت اقلام تعهدی و پایداری سود با تأخیر در گزارش غیر عادی حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد؛ رضایی و افروزی (۱۳۹۴)، رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین هزینه بدهی و ارتباطات سیاسی شرکت‌ها رابطه منفی و معناداری وجود دارد. ضمناً هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر نقش دوگانه مدیرعامل قرار نگرفت، درحالی که هزینه بدهی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی تحت تأثیر استقلال اعضای هیئت مدیره بصورت منفی و معنادار قرار گرفت.

روش پژوهش

با توجه به ادبیات پژوهش، فرضیه‌های زیر تدوین و مورد آزمون قرار خواهند گرفت:

فرضیه اول: ارتباطات سیاسی منجر به افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود.

فرضیه دوم: معاملات با اشخاص وابسته منجر به افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود.

فرضیه سوم: معاملات با اشخاص وابسته منجر به تشدید رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر

در گزارش حسابرسی می‌شود.

این پژوهش بر اساس طبقه‌بندی بر مبنای هدف، کاربردی است و از لحاظ طبقه‌بندی برحسب روش از نوع همبستگی و با استفاده از رویکرد پس رویدادی (با استفاده از اطلاعات گذشته) انجام شده است. داده‌های خام مربوط به صورت‌های مالی با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و استفاده از شبکه جامع اطلاع‌رسانی (گُدال) بورس اوراق بهادار جمع‌آوری گردید. همچنین در برآورد مدل از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۱۰ استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ تا سال ۱۳۹۵ (دوره ۵ ساله) است. نمونه، متشکل از کلیه شرکت‌های موجود در جامعه آماری بوده که حائز این شرایط باشند: ۱- سال مالی آن‌ها به ۱۲/۲۹ هر سال ختم شود؛ ۲- در طول دوره پژوهش، تغییر در دوره (سال) مالی نداشته باشند؛ ۳- داده‌های مورد نیاز جهت متغیرهای پژوهش در طول دوره زمانی مورد بررسی موجود باشند؛ ۴- شرکت‌هایی که در گروه سرمایه‌گذاری، مؤسسات مالی و اعتباری، بانک‌ها، بیمه‌ها و هلدینگ‌ها نباشند. در نهایت با در نظر گرفتن شرایط فوق و با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۱۵۶ شرکت (۷۸۰ سال / شرکت) مشخص و با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند.

برای آزمون فرضیات پژوهش رگرسیون زیر برآزش می‌شود (حبیب و محمودی، ۲۰۱۶):

مدل (۱)

$$LN_ARL_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 PCON_{i,t} + \alpha_2 RPT_{i,t} + \alpha_3 PCON_{i,t} \times RPT_{i,t} + \alpha_4 Size_{i,t} + \alpha_5 LEV_{i,t} + \alpha_6 GROWTH_{i,t} + \alpha_7 LOSS_{i,t} + \alpha_8 |DAC|_{i,t} + \alpha_9 AUD_{i,t} + \alpha_{10} OPINION_{i,t} + \alpha_{11} OPINION_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

که در آن:

متغیر وابسته (LN_ARL): تأخیر در گزارش حسابرسی؛ که از طریق لگاریتم طبیعی فاصله تعداد روزهای میان پایان سال مالی و تاریخ امضای گزارش حسابرسی توسط حسابرسان اندازه‌گیری می‌شود.

متغیر مستقل ($PCON$): ارتباطات سیاسی؛ که از طریق مالکیت دولتی اندازه‌گیری می‌شود.

یک متغیر مجازی است. اگر شرکت دارای مالکیت دولتی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر می‌گیرد. مطابق با پژوهش فان و همکاران (۲۰۰۷) و خواجه‌وی و حسینی (۱۳۸۹) و همچنین استانداردهای حسابداری ایران، اگر در ساختار سرمایه شرکت‌ها،

مالکیت مستقیم دولت و سرمایه‌گذاری نهادهای وابسته به دولت حداقل ۲۰ درصد کل سرمایه باشد، در این صورت نفوذ قابل ملاحظه در شرکت سرمایه‌پذیر وجود دارد و شرکت دارای ارتباطات سیاسی است و در غیر این صورت شرکت فاقد ارتباطات سیاسی است. اعمال نفوذ قابل ملاحظه اساساً بدون دارا بودن قدرت رأی کافی، بعید است و به همین دلیل داشتن میزان خاصی از حق رأی در واحد سرمایه‌پذیر به عنوان فرض وجود نفوذ قابل ملاحظه تلقی می‌شود. برای دستیابی به میزان معقولی از یکنواختی در عمل، فرض بر این است که در غیاب شواهد نقض‌کننده، در مواردی که واحد سرمایه‌گذار (به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق واحدهای تجاری فرعی) حداقل ۲۰ درصد از قدرت رأی در واحد سرمایه‌پذیر را داشته باشد، دارای نفوذ قابل ملاحظه در واحد سرمایه‌پذیر است. برعکس، در مواردی که واحد سرمایه‌گذار (به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق واحدهای تجاری فرعی) کمتر از ۲۰ درصد قدرت رأی در واحد سرمایه‌پذیر را داشته باشد، چنین فرض می‌شود که سرمایه‌گذار نفوذ قابل ملاحظه ندارد، مگر اینکه چنین نفوذی را بتوان به روشنی اثبات کرد. مالکیت بخش قابل توجه یا اکثریت سهام واحد سرمایه‌پذیر توسط واحدی دیگر، لزوماً مانع اعمال نفوذ قابل ملاحظه توسط سرمایه‌گذار نمی‌شود (بند ۸ استاندارد شماره ۲۰ حسابداری ایران).

متغیر مستقل و تعدیل‌کننده (*RPT*): معاملات با اشخاص وابسته؛ برابر است با نسبت معاملات با اشخاص وابسته به دارایی‌ها. در این پژوهش از ارزش ریالی معاملات انجام شده با اشخاص وابسته به عنوان معیاری جهت ارزیابی معاملات با اشخاص وابسته استفاده خواهد شد. متغیرهای کنترلی (حبیب و محمودی، ۲۰۱۶):

SIZE: اندازه شرکت، لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها؛ اندازه شرکت هم به دلیل حجم فعالیت و هم ساختار کنترل داخلی بر حجم کار حسابرسان و بررسی‌های مورد نیاز آن‌ها اثرگذار می‌باشد.

LEV: اهرم مالی، نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها؛ انتظار بر این است که شرکت‌های دارای اهرم مالی بالاتر با ریسک مالی بیشتری مواجه باشند که منجر به افزایش میزان بررسی‌های مورد نیاز حسابرسان خواهد شد.

GROWTH: رشد شرکت، که از طریق نسبت فروش سال t به سال $t-1$ محاسبه می شود؛ شرکت های با رشد بالا انگیزه بیشتری برای دستکاری گزارش های مالی برای حفظ رشد بازار خود دارند که منجر به افزایش میزان بررسی های مورد نیاز حسابرسان خواهد شد.

LOSS: زیان شرکت، اگر شرکت زیان ده باشد یک و در غیر این صورت صفر؛ زیان ده بودن با ریسک مالی در ارتباط است که بر تاخیر در گزارش حسابرسی اثرگذار خواهد بود.

DAC: مدیریت سود تعهدی، بیانگر مدیریت سود تعهدی است. برای اندازه گیری مدیریت سود تعهدی از مدل کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) استفاده می شود (لازم به ذکر است قدر مطلق باقیمانده های مدل ذیل بیانگر مدیریت سود تعهدی است):

$$\frac{TAC_t}{A_{t-1}} = \beta_0 \left(\frac{1}{A_{t-1}} \right) + \beta_1 \left(\frac{\Delta REV_t - \Delta REC_t}{A_{t-1}} \right) + \beta_2 \left(\frac{PPE_t}{A_{t-1}} \right) + \beta_3 ROA + \varepsilon_t$$

مدل (۲)

ریسک حسابرسی در شرکت هایی که اقدام به مدیریت سود می کنند بیشتر است که همین موضوع منجر به افزایش تاخیر در گزارش حسابرسی می شود.

AUDIT: اندازه حسابرس، اگر حسابرسی توسط سازمان حسابرسی انجام شود یک و در غیر این صورت صفر؛ اندازه حسابرس با کیفیت حسابرسی در ارتباط است و به عنوان یک ساز و کار حاکمیت شرکتی برون سازمانی قادر به بهبود محیط اطلاعاتی شرکت می باشد و در نتیجه انتظار می رود منجر به کاهش تاخیر در گزارش حسابرسی شود.

OPINION: نوع گزارش حسابرسی، اگر نوع گزارش حسابرس مقبول باشد یک و در غیر این صورت صفر؛ نوع گزارش حسابرس با کیفیت حسابرسی در ارتباط است به طوری که حسابرسان در راستای ارائه گزارش مقبول به رسیدگی های بیشتری نیاز دارند.

یافته های پژوهش

نگاره شماره (۱) حاوی آمار توصیفی متغیرهای پژوهش است. در این نگاره حداقل، حداکثر، میانگین، میانه و انحراف معیار کلیه متغیرها ارائه گردیده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیرها	حداقل	حداکثر	میانه	میانگین	انحراف معیار
تأخیر در گزارش حسابداری	۹۷/۱	۸۱/۴	۴۱/۲	۳۵/۴	۴۲/۰
ارتباطات سیاسی	۰	۱	۲۳/۰	۲۴/۰	۲۱/۰
معاملات با اشخاص وابسته	۰	۵۲/۱	۲۶/۰	۳۱/۰	۳۸/۰
اندازه شرکت	۹/۰۹	۱۹/۹۴	۱۲/۶۰	۱۳/۱۲	۶۱/۱
اهرم مالی	۰/۶۸	۰/۸۵	۰/۵۸	۰/۶۱	۲۴/۰
رشد	۰/۱۹	۹۱/۳	۱/۱۲	۶۷/۱	۴۷/۰
زیان	۰	۱	۰	۰/۹	۲۶/۰
مدیریت سود	۰/۱۹	۹۱/۰		۶۷/۰	۴۷/۰
اندازه حسابرس	۰	۱	۰	۲۲/۰	۶۵/۰
اظهاری نظر حسابرس	۰	۱	۰	۳۳/۰	۴۸/۰

آمار توصیفی نشان می‌دهد که به طور میانگین، ۲۴ درصد از مشاهدات (۱۸۸ مشاهده) دارای ارتباطات سیاسی می‌باشند؛ ۲۲ درصد از مشاهدات توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند و گزارش حسابرسی ۳۳ درصد از مشاهدات، مقبول می‌باشد. در ارتباط با متغیرهای کمی به عنوان مثال، مقدار میانگین متغیر اهرم مالی نشان می‌دهد که به طور متوسط ۶۱ درصد از دارایی‌های شرکت‌ها از طریق بدهی‌ها تامین مالی می‌شوند.

در داده‌های پانلی جهت انتخاب بین مدل داده‌های تلفیقی، مدل اثر ثابت و مدل اثر تصادفی آزمون‌هایی وجود دارد. احتمال آماره آزمون چاو در مواردی که بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بیانگر تأیید مدل داده‌های تلفیقی می‌باشد. اگر مدل داده‌های تلفیقی ارجح بود کار تمام است.

در غیر این صورت آزمون هاسمن ضرورت می‌یابد. احتمال آماره آزمون هاسمن در مواردی که کمتر از ۰/۰۵ است، حاکی از تأیید مدل اثرات ثابت می‌باشد. نتایج آزمون‌های چاو و هاسمن به شرح نگاره (۲) می‌باشد:

نگاره (۲): نتایج آزمون‌های پانل

آزمون چاو		آزمون هاسمن	
آماره احتمال		آماره احتمال	
۸/۱۲۸	۰/۰۰۰	۴۲/۰۰۳	۰/۰۰۰

نتایج حاصل از برازش مدل اول برای آزمون فرضیات پژوهش، در نگاره شماره (۳) ارائه گردیده است.

نگاره (۳): نتایج رگرسیون مدل پژوهش

متغیر توضیحی	آزمون داده‌های ترکیبی				هم خطی
شرح	ضریب	خطای استاندارد	آماره	احتمال	تورم واریانس
ارتباطات سیاسی	۰/۱۴۸	۰/۰۷۰۵	۲/۱۱۳	۰/۰۳۴۹	۱/۰۷۶
معاملات با اشخاص وابسته	۰/۱۶۳	۰/۰۳۱	۵/۱۶۸	۰/۰۰۰۰	۱/۴۱۷
ارتباطات سیاسی × معاملات با اشخاص وابسته	۰/۱۵۹	۰/۰۶۰	۲/۶۱۵	۰/۰۰۹۱	۵/۹۰۴
اندازه شرکت	۰/۳۳۵	۰/۰۵۱	۶/۴۶۲	۰/۰۰۰۰	۲/۱۶۸
اهرم مالی	۰/۳۸۰	۰/۰۹۳	۴/۰۸۲	۰/۰۰۰۰	۱/۱۹۸
رشد	۰/۲۷۰	۰/۱۴۵	۱/۸۵۶	۰/۰۶۳۴	۱/۲۱۸
زیان	-۰/۲۹۷	۰/۰۵۹	-۴/۹۸۷	۰/۰۰۰۰	۱/۱۰۱
مدیریت سود	۰/۱۲۹	۰/۵۳۷	۰/۲۴۱	۰/۸۰۹۵	۱/۱۱۷
اندازه حسابرِس	-۰/۰۳۱	۰/۰۱۰	-۲/۹۱۵	۰/۰۰۳۶	۱/۱۰۶
اظهار نظر حسابرِس	۱/۲۹۹	۰/۷۸۹	۱/۶۴۵	۰/۰۹۹۹	۱/۰۵۶
آماره F: ۲۲/۶۱۵ احتمال: ۰/۰۰۰ آماره دوربین واتسون: ۲/۰۲۶ ضریب تعیین تعدیل شده: ۰/۵۸۲					
نرمال بودن توزیع باقیمانده‌ها: آماره (احتمال) جاک-برا ۲/۷۶۶ (۰/۲۵۰) نتیجه: توزیع باقیمانده‌ها نرمال است.					
خودهمبستگی سریالی: آماره (احتمال) بروش-گادفری ۰/۵۸۲ (۰/۵۶۷) نتیجه: خودهمبستگی سریالی وجود ندارد.					
ناهمسانی واریانس: آماره (احتمال) وایت ۱۲/۱۲۸ (۰/۰۰۰) نتیجه: استفاده از برآوردگر حداقل مربعات تعمیم یافته.					

مقادیر محاسبه شده آماره F در نگاره (۴) نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی معنی‌دار می‌باشد. هم‌چنین ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۵۸ درصد تغییر در تأخیر در گزارش حسابرسی توسط مدل فوق بیان می‌شود. همچنین آماره دوربین واتسون بیانگر این است که در مدل خودهمبستگی سریالی مرتبه اول وجود ندارد، چراکه مقدار آن بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد. همان‌گونه که در بخش انتهایی نگاره (۳) مشاهده می‌شود مفروضات رگرسیون

کلاسیک مورد بررسی (مشکل ناهمسانی واریانس از طریق استفاده از برآوردگر حداقل مربعات تعمیم یافته به جای حداقل مربعات معمولی در برآورد مدل پژوهش حل شده است) برقرار می‌باشد. عامل تورم واریانس نیز نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل هم خطی چندگانه شدید وجود ندارد تا بتوان یکی دیگر از مفروضات رگرسیون را نیز مورد تأیید قرار داد.

با توجه به ضرایب محاسبه شده برای هر یک از متغیرهای توضیحی و سطح معنی داری آن‌ها، متغیر ارتباطات سیاسی، با ضریب $0/14$ و با سطح معناداری $0/034$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد (منجر به افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود). متغیر معاملات با اشخاص وابسته، با ضریب $0/16$ و با سطح معناداری $0/000$ در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با تأخیر در گزارش حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد (منجر به افزایش تأخیر در گزارش حسابرسی می‌شود). همچنین معاملات با اشخاص وابسته در هنگام ضرب ارتباطات سیاسی، رابطه مثبت و معناداری (با سطح معناداری $0/009$) با تأخیر در گزارش حسابرسی دارد، به طوری که رابطه میان ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته را در جهت مثبت تقویت (ضرایب معنادار از $0/148$ به $0/159$ افزایش یافته است) نموده است. به عبارت دیگر، معاملات با اشخاص وابسته منجر به تقویت ارتباط میان ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته شرکت‌ها شده است.

نتیجه گیری و پیشنهادها

حسابرسی معمولاً در شرایطی که روابط نمایندگی حاکم است برای کاهش تضاد منافع مطرح می‌شود. افزون بر آن، یکی از عوامل اصلی حاکمیت شرکتی مناسب، انجام حسابرسی است.

در صورتیکه بخشی از سهام شرکت در اختیار دولت باشد ارتباطات سیاسی شکل می‌گیرد که براساس این ارتباطات الگوی ویژه‌ای از رابطه میان شرکت و حسابرس پدیدار می‌شود؛ همچنین بواسطه وجود معاملات وابسته و امکان پنهان‌سازی برخی از روابط سیاسی از این طریق، این ارتباط تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان داد که ارتباطات سیاسی بر تأخیر گزارش حسابرسان به صورت مستقیم اثرگذار است. این یافته با نتایج حبیب و محمودی (۲۰۱۶) مطابق می‌باشد.

چنین نتیجه‌ای در تطابق با مبانی نظری، حاکی از آن است که شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی می‌توانند از حق اعمال قدرت خود سوء استفاده نمایند و این عاملی است که کیفیت گزارش‌شگری مالی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و بدین صورت بر زمان گزارش حسابرسی اثرگذار می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته بر تأخیر گزارش حساب‌برسان به صورت مستقیم اثرگذار است. این یافته با نتایج حبیب و محمودی (۲۰۱۶) مطابق می‌باشد. چنین نتیجه‌ای بیانگر این موضوع است که شرکت‌هایی که به دنبال پنهان‌سازی منافع برخی از سهام‌داران اقلیت را دارند، به کانال‌هایی نیاز دارند تا به این هدف نائل گردند. یکی از این کانال‌ها معاملات با اشخاص وابسته است.

معاملات با اشخاص وابسته اغلب متنوع و پیچیده است؛ که عاملی برای افزایش زمان حسابرسی خواهد شد. در نهایت نتایج حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان داد که معاملات با اشخاص وابسته منجر به تقویت ارتباط میان ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته می‌شود. این یافته با نتایج حبیب و محمودی (۲۰۱۷) مطابق می‌باشد. چنین نتیجه‌ای در تطابق با مبانی نظری، حاکی از آن است که معاملات با اشخاص وابسته ابزاری در جهت پنهان‌سازی روابط سیاسی است؛ به عبارت دیگر شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی ممکن است علاقه داشته باشند تا ارتباطات سیاسی خود را پنهان نمایند و بدین منظور اقدام به فعالیت‌های انحرافی در جهت پنهان‌سازی این روابط از نظر حساب‌برس خواهند نمود؛ که حساب‌برسان برای کاهش ریسک حسابرسی زمان بیشتری را در این ارتباط صرف خواهند کرد؛ که عاملی برای افزایش زمان حسابرسی خواهد شد.

به حساب‌برسان پیشنهاد می‌شود که به نقش ارتباطات سیاسی بر افزایش ریسک حسابرسی و افزایش زمان حسابرسی توجه نمایند چرا که ممکن است این ارتباطات به نوعی پنهان‌سازی شوند؛ همچنین حساب‌برسان در راستای تعیین حق‌الزحمه خود می‌توانند به این موضوع توجه نمایند. از سوی دیگر به حساب‌برسان پیشنهاد می‌شود تا به سرفصل معاملات با اشخاص وابسته در صورت‌های مالی شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی هم از جنبه ریسک حسابرسی و هم از جنبه بودجه‌زمانی توجه نمایند. به اعضای کمیته حسابرسی و مدیران پیشنهاد می‌شود که با توجه به اهمیت به موقع بودن گزارش و این موضوع که هرچقدر زمان انتشار اطلاعات شرکت طولانی‌تر شود کیفیت گزارشات پایین خواهد آمد و بالعکس به نقش ارتباطات سیاسی و

معاملات با اشخاص وابسته در این ارتباط توجه نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود که در این راستا هیئت مدیره از طریق فاکتورهای کاهشنده تأخیر در گزارش حسابرسی از جمله استقرار کنترل‌های داخلی اثربخش، اقدام نمایند؛ چرا که حساب‌سان می‌توانند از حیث ریسک کنترل به کنترل‌های داخلی تکیه بیشتری نمایند. به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران نیز پیشنهاد می‌شود در ارزیابی‌های خود به موضوع ارتباطات سیاسی و معاملات با اشخاص وابسته نیز توجه نمایند. به محققان پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی به بررسی نقش تعدیل‌کنندگی فرا اطمینانی مدیران بر رابطه میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی؛ بررسی نقش تعدیل‌کننده تخصص کمیته حسابرسی بر ارتباط میان معاملات با اشخاص وابسته و تأخیر در گزارش حسابرسی؛ بررسی نقش تعدیل‌کننده تنوع جنسیتی هیئت مدیره بر ارتباط میان ارتباطات سیاسی و تأخیر در گزارش حسابرسی پردازند.

منابع

- خیرالهی، فرشید. ایوانی، فرزاد. ابوالوفایی، سجاد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین کیفیت سود و تأخیر در گزارش حسابرسی. پایان نامه جهت کسب درجه کارشناسی ارشد حسابداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه رازی.
- رضایی، فرزین. افروزی، لیلا. (۱۳۹۴). رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی، فصلنامه پژوهش حسابداری: ۴، ۸۵-۱۱۲.
- صفری گرایلی، مهدی. (۱۳۹۶). تأخیر غیرعادی گزارش حسابرسی و تجدید ارائه صورت‌های مالی آتی: نقش تعدیلی وابستگی اقتصادی و تخصص صنعت حسابرسان. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت: ۶(۲۳)، ۱۵۵-۱۶۸.
- ملاّ ایمنی، وحید. مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). رابطه بین کیفیت افشای اطلاعات و تأخیر در زمان صدور گزارش حسابرسی. فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی: ۱۱(۴۵)، ۵۱-۷۱.
- محسنی، عبدالرضا. (۱۳۹۷). ارتباطات سیاسی و هزینه سرمایه حقوق صاحبان سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار: ۹(۲۴)، ۲۹۱-۲۷۳.
- مهربانپور، محمدرضا. جندقی قمی، محمد. محمدی، منصور. (۱۳۹۶). بررسی اثر روابط سیاسی شرکت‌ها بر به‌کارگیری معاملات غیرعادی با اشخاص وابسته. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری: ۲(۳)، ۱۶۸-۱۴۷.

- نمازی، محمد. پژوهی، محمدرضا. کرمی، ماندانا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر مالکیت شرکت‌های خانوادگی بر کنترل داخلی، ریسک حسابرسی، حقالزحمه حسابرسی و تأخیر در گزارش حسابرسی. پایاننامه جهت کسب درجه کارشناسی ارشد حسابداری. دانشکده علوم اقتصادی. دانشگاه شیراز.
- Ahsan, Habib. , Abdul, Haris Muhammadi. (2016). Political connections and audit report lag: Indonesian evidence, *International Journal of Accounting & Information Management*, 12 (2), 1-35.
- Apadore, K. , Mohd Noor, M. (2013). Determinants of Audit Report Lag and Corporate Governance in Malaysia. *International Journal of Business and Management*. 8 (15), 18-30.
- Ashton, R. H. , Willingham, J. J. and Elliott, R. K. (1987). An empirical analysis of audit delay, *Journal of Accounting Research*, 25(2), 275-292.
- Bamber, E. M. , Bamber, L. S. and Schoderbek, M. P. (1993), Audit structure and other determinants of audit report lag: An empirical analysis, *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 2 (1), 1-23.
- Beasley, M. S. (2016). An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud, *The Accounting Review*, 71 (4), 443-65.
- Ben Rejeb Attia, Mouna. , Lassoued, Naima. (2018). Financial reporting timeliness and the value relevance of earnings: Evidence from banks in the MENA countries, *The International Trade Journal*, 2 (5), 1-25.
- Carslaw, C. A. P. N. and Kaplan, S. E. (1991). An examination of audit delay: Further evidence from New Zealand, *Accounting and Business Research*, 22 (85), 21-32.
- Ghafran, Ch. , Yasmin, S. (2017). Audit committee chair and financial reporting timeliness: A focus on financial, experiential and monitoring expertise. *International Journal of Auditing*, 22 (1), 1-35.
- Gul, F. A. (2006). Auditors' Response to Political Connections and Cronyism in Malaysia, *Journal of Accounting Research*, 44 (5), 931-963.
- Guedhami, O. , Pittman, J. A. and Saffar, W. (2014), Auditor choice in politically connected firms, *Journal of Accounting Research*, 52 (1), 107-162.
- Habib, A. , Muhammadi, A H. , Jiang, H. (2017). Political connections, related party transactions, and auditor choice: Evidence from Indonesia. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13 (2), 1-19.
- Habib, A. and Bhuiyan, M. B. U. (2011). Audit firm industry specialization and the audit report lag, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 20 (1), 32-44.

- Houston, J. F. , Jiang, L. , Lin, C. and Ma, Y. (2014). Political connections and the cost of bank loans, *Journal of Accounting Research*, 52 (1), 193-243.
- Jaggi, B. and Tsui, J. (1999). Determinants of audit report lag: further evidence from Hong Kong, *Accounting and Business Research*, 30 (1), 17-28.
- Khan, A. , Mihret, D. G. and Muttakin, M. B. (2016). Corporate political connections, agency costs and audit quality, *International Journal of Accounting & Information Management*, 24 (4), 357-374.
- Khelif, H. and Samaha, K. (2014). Internal control quality, Egyptian standards on auditing and external audit delays: Evidence from the Egyptian Stock Exchange, *International Journal of Auditing*, 18 (2), 139-154.
- Kheiralahi, F. , Ivani, F. , Abu al-Voafai, S. (2015). Study of the relationship between earnings quality and delay in audit report, *Accounting Thesis*. (in persian)
- Kim, C. & Zhang, L. (2016). Corporate Political Connections and Tax Aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 78-114.
- Mehrabanpour, M. , Jandaghi Ghomi, M. , Mohammadi, M. (2017). Political Connections and Abnormal Transactions by Related Parties. *Iranian Journal of Value and Behavioral Accountings Achievements*, 2 (3), 147-168. (in persian)
- Mohseni, A. (2018). Political connections and the cost of equity capital in listed firms on Tehran Stock Exchange. *Financial engineering and securities management*, 9(34), 273-291. (in persian)
- Namazi, M. , Pejouhi, M R. , Karami, M. (2016). Investigating the Impact of Family Ownership on Internal Control, Audit Risk, Audit Fees, and Delay in Audit Report, *Accounting Thesis*. (in persian)
- Ng, P. P. H. and Tai, B. Y. K. (1994). An empirical examination of the determinants of audit delay in Hong Kong, *The British Accounting Review*, 26 (1), 43-59.
- Nurul. , Houqe. Muhammad. , Reza, M. Monem and Tony van Zijl. (2012). Government quality, auditor choice and adoption of IFRS: A cross country analysis, *Advances in International Accounting*, 28 (2), 307-316.
- Rezaei, F. , Afrouzi, L. (2015). The Relation between Cost of Debt and Corporate Governance in Firms with Political Connections, *Accounting Research*, 4 (4), 85-112. (in persian)
- Safari Gerayli, M. (2017). Abnormal Audit Report Lags and Future Restatements: Moderating Role of Economic Bonding and auditor industry specialization. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 6(23), 155-168. (in persian)

- Mollaimani, V; Marfou, M. (2015). The relationship between Disclosure Quality and Audit Report Lag, Quarterly Journal of Empirical Financial Accounting Studies, 12 (45), 59-80. (in persian)
- Zhi WangMei-Hui. , ChenChen Lung. , ChinQi Zheng. (2017). Managerial ability, political connections, and fraudulent financial reporting in China, Journal of Accounting and Public Policy, 36(2), 12- 28.

